

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل

امید پورحیدری* سعید بذرافشان**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۳/۲۵

چکیده

هدف این تحقیق، رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب ذکر شده در بخش ۲۴ استاندارد حسابرسی ایران، با توجه به میزان اهمیت آن‌ها در کشف تقلب مدیریت است. در این تحقیق فهرستی از ۶۱ مورد بسترهای خطر تقلب تهیه گردید. جهت انجام این پژوهش تعداد ۴۶۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری (حسابرسان مستقل) به روش تصادفی توزیع شد که پس از یک هفته ۳۱۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که نظر حسابرسان نسبت به اهمیت تمامی بسترهای خطر تقلب (به جز یک مورد)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای تفاوت معنی‌دار است. ضمناً با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد مهم‌ترین بستر خطر تقلب، "وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است. علاوه بر رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب، ارتباط بین "جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه حسابرسان" و "برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب" مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر این بود که جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، هیچ‌کدام بر روی نظر حسابرسان در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب، تأثیر معنی‌داری ندارند.

واژه‌های کلیدی: تقلب، بسترهای خطر تقلب، تقلب مدیران.

۱- مقدمه

سیستم گزارشگری مالی در جلب اعتماد عمومی همواره با بحران‌ها بی‌مواجه بوده است. افزایش شمار تقلب‌ها و تجدید آرایه صورت‌های مالی که اغلب با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در هم آمیخته، نگرانی‌هایی را درباره صورت‌های مالی به همراه داشته است. به همین جهت، پیشگیری یا کشف تقلب‌های بااهمیت در صورت‌های مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، مدیران و حساب‌برسان بوده است (راموس میشل^۱، ۲۰۰۳: ۲۸).

در سال‌های اخیر، حرفه حسابداری به دلیل رسوایی‌های تقلب مالی مدیران، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا بیانیه استانداردهای حسابرسی (SAS) شماره ۹۹، حساب‌برسان را در رابطه با کشف تقلب ملزم به جمع‌آوری اطلاعات مهم در ارزیابی تقلب کرده است (توماس پاتریک هایس^۲، ۲۰۰۶: ۱۳). بر اساس بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب را می‌توان به عنوان هرگونه اقدام عمدی یا فریبه کارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیر قانونی تعریف نمود. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می‌دهد تقلب مدیران نامیده می‌شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). از نظر والاس^۳ (۱۹۹۵) تقلب متضمن برنامه‌های از پیش طراحی شده به منظور فریب دیگران است که می‌تواند از طریق آرایه اسناد و مدارک ساختگی صورت گیرد.

تقلب از طریق دو راهبرد در مقابل کشف شدن مقاومت می‌نماید: اول مخفی ماندن؛ تقلب بایستی پایین‌تر از آستانه اهمیت اتفاق بیافتد تا از اطلاق آن به عنوان اشتباه با اهمیت جلوگیری گردد. تا رسیدن به این حد، امکان کشف تقلب کم می‌باشد. اگر مبلغ

1. Ramos Micheal
2. Thomas Patrick Hayes
3. Wallace, W. A.

تقلب از آستانه اهمیت بیشتر باشد، ماهیت مقداری تقلب، توجه را جلب می‌کند و عمل تقلب در مقابل کشف آن آسیب‌پذیر می‌گردد. دومین راهبرد به منظور مخفی ماندن، به کار می‌رود و از کارهایی نظیر فریبه کاری، برای مخفی نگه داشتن ماهیت مقداری تقلب استفاده می‌شود و این راهبرد تظاهر است؛ راهبرد تظاهر به متقلب قدرت جعل می‌دهد. به طور مختصر، تقلب از طریق راهبرد کوچک نمایی، از کشف تقلب جلوگیری می‌کند و از طریق راهبرد جعل و تظاهر؛ حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل، کنترل داخلی، دستگاه‌های امنیتی و سایر افراد مسئول را فریب می‌دهد (محمد بایو و آلان رین استین، ۲۰۰۶: ۶۱).

مؤسسات بین‌المللی حسابداری و حسابرسی، انجمن‌های تخصصی و اندیشمندان علمی این رشته در سراسر دنیا؛ اصول، روش‌ها و استانداردهای خاصی را در جهت کمک و راهنمایی به حسابرسان منتشر کرده‌اند. بسترهای خطری که در این استانداردها ذکر شده به عنوان رهنمودی برای حسابرسان مستقل و داخلی، در پیشگیری و کشف تقلب و گزارشگری مالی متقلبانه است.

در دهه‌ی اخیر، هزینه‌های تقلب یا تخلف‌های مالی در شرکت‌ها بسیار زیاد شده است به طوری که براساس برآوردهای صورت گرفته، خسارت ناشی از تقلب در شرکت‌هایی که این رخداد را تجربه کرده و متحمل زیان شده‌اند، حدود ۲۵۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. البته این فقط بخشی از پیامدهای تقلب و تخلف است و مواردی چون خدشه وارد شدن بر اعتبار شرکت و بازار سرمایه که موجب از بین رفتن اعتماد عموم و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، مورد توجه قرار نگرفته است (حساس یگانه، داغانی و اسکو، ۱۳۸۹: ۸۸). کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی در گزارشی تحت عنوان تقلب در گزارشگری مالی که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد عنوان کرد که ۷۲ درصد از موارد تقلب مورد بررسی توسط مدیر عامل و ۴۲ درصد توسط مدیر مالی صورت گرفته است (صفرزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

موضوع کشف تقلب از اهمیت ویژه ای برخوردار است، بطوری که بی توجهی به آن ممکن است از یک طرف صدمات جبران ناپذیری به حرفه حسابرسی وارد سازد و از طرف دیگر باعث سلب اعتماد عمومی و متضرر شدن سرمایه گذاران گردد و در نهایت در سطح کلان باعث ایجاد بحران اقتصادی در جامعه شود. ضمیمه بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران، تقریباً ۶۰ بستر خطر تقلب را معرفی کرده است. این بسترهای خطر تقلب می تواند حسابرسان را در ارزیابی خطر تقلب یاری کند. هر حسابرسی که در شناسایی بسترهای خطر تقلب دچار مشکل شود، بالطبع در کشف تقلب نیز ناتوان بوده، به احتمال فراوان مقصر شناخته می شود. بدین ترتیب آشنایی و شناخت حسابرسان از بسترهای خطر تقلب، نحوه به کارگیری بسترهای خطر تقلب، میزان استفاده از این بسترهای تقلب در حسابرسی ها، و اهمیت هر یک از بسترهای خطر در کشف تقلب همگی از دلایلی است که سبب انجام تحقیقات در سطح بین-المللی شده است. تاکنون در ایران تحقیقات معدودی در ارتباط با بسترهای خطر تقلب و اهمیت این بسترها در کشف گزارشگری مالی متقلبانه صورت گرفته است. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق بررسی میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب ذکر شده در بخش ۲۴ استاندارد حسابرسی ایران و رتبه بندی آن ها می باشد.

حسابرسان (اعضای نمونه تحقیق) از لحاظ جنسیت به دو گروه مرد و زن تقسیم می شوند، فقدان تفکری واحد در بین آن ها درباره اهمیت بسترهای تقلب می تواند موضوعی خطرناک باشد؛ چراکه ممکن است به دلیل وجود تفاوتی معنادار در تشخیص میزان اهمیت بسترهای تقلب توسط این دو گروه، در پاسخ به این سؤال که آیا در شرکت تحت حسابرسی تقلب صورت گرفته یا خیر، به دو جواب کاملاً متناقض برسند. اعضای نمونه تحقیق حاضر را می توان از جهات مختلفی؛ به عنوان مثال از لحاظ جنسیت (مرد و زن)، رشته تحصیلی (حسابداری، مدیریت و ..)، سطح تحصیلات (فوق دیپلم، لیسانس و ..) و .. گروه بندی نمود. این شیوه گروه بندی در

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۵

تحقیقات مشابه مانند تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸) و گلن مویز^۱ (۲۰۰۷) نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، در این تحقیق علاوه بر بررسی میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب، به بررسی تاثیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت یک از بسترهای خطر تقلب نیز خواهیم پرداخت.

۲- پیشنهاد تحقیق

شیخ (۱۳۸۳)، به بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، در شرکت‌های ایرانی پرداخت. این تحقیق با هدف شناسایی بسترهای خطر از دیدگاه حسابرسان مستقل و مدیران مالی و همچنین اولویت بندی آن‌ها نسبت به یکدیگر صورت پذیرفت. اولویت اول هر دو گروه فقدان و یا ضعیف بودن کنترل-های داخلی می‌باشد، اما در خصوص اولویت دوم، حسابرسان مستقل تصمیم‌گیری‌های متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت، تحت نفوذ یک فرد را انتخاب نمودند در حالی که اولویت دوم از دیدگاه مدیران مالی وجود معامله‌های مبهم و یا مانده حساب‌های نامشخص که حسابرسی آن‌ها مشکل می‌باشد بوده است.

در تحقیقی دیگر سنجابی (۱۳۸۴)، به شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی ایران پرداخت. وی این عوامل را در ساختار محیطی شرکت‌ها شناسایی کرد. در این تحقیق عوامل خطر در ۴ گروه: عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌ها و نفوذ مدیریت، عوامل خطر مرتبط با عدم تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت و عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی، طبقه‌بندی و مورد استفاده قرار گرفتند. حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی تفاوت برداشت حسابرسان داخلی و مستقل در خصوص کارایی ۳۶ علامت خطر استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ جهت کشف گزارشگری مالی متقلبان پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که

1. Moyes Glen.D

تفاوت عمده‌ای در برداشت حساب‌رسان داخلی و مستقل وجود ندارد و از دیدگاه آن‌ها، مؤثرترین علامت خطر، " نظارت نا کافی بر کنترل‌های داخلی با اهمیت " می‌باشد. فرقاندوست و برواری (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت) پرداختند. علاوه بر این فرقاندوست و عبدالهی (۱۳۸۷) نیز در تحقیقی به بررسی کاربرد سیستم‌های فازی در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت پرداختند. فرقاندوست و عبدالهی (۱۳۸۸)، بر اساس نتیجه نهایی تحلیل آماری در مورد توانایی مدل پیشنهادی در پیش‌بینی حضور یک شرکت در گروه متقلب و یا غیر متقلب، درصد پیش‌بینی صحیح توسط مدل نهایی ۵/۹۰٪ محاسبه گردید. ضمناً نتایج نشان داد دو متغیر فروش سال جاری به فروش سال قبل و مجموع کل بدهی‌های سال جاری به مجموع کل بدهی‌های سال قبل که حاصل از صورت‌های مالی می‌باشند، قادر به پیش‌بینی خطر تحریف عمدی در صورت‌های مالی هستند.

برخلاف تحقیقات معدود صورت گرفته در حوزه تقلب در داخل کشور، در خارج از کشور تحقیقات زیادی انجام شده است. لوب‌بک و ویلینگهام^۱ (۱۹۸۸)، فهرستی از علایم خطر تهیه کردند که بر مبنای آن بورس اوراق بهادار نیویورک در جهت تقویت حسابداری و حسابرسی آن را منتشر کرد. نوع تحقیق انجام گرفته مروری و بر اساس مدل تصمیم برآوردی بود. سه عنصر مدل سنجش تدوین شد. اجزای مدل شامل فرصت‌ها، انگیزه‌ها و گرایش‌ها هستند که هر جزء نیز خود شامل مجموعه‌ای از علایم خطر می‌شود. در تحقیقی دیگر لوب‌بک و همکارانش^۲ (۱۹۸۹)، بر اساس مدل برآوردی و با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری، مدل برآوردی سال ۱۹۸۸ خود را اصلاح کرده و توسعه دادند. نتایج و یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از این بود، زمانی که هر سه جزء فرصت، انگیزه و گرایش مدیریت، در مدل به طور هم‌زمان وجود داشته باشد به احتمال بسیار زیاد تقلب مدیریت به وقوع می‌پیوندد و هنگامی که یک جز، وجود نداشته باشد

1. Loebbecke & Willingham
2. Lobbecke et al

احتمال وقوع تقلب کم است.

پینکوس^۱ (۱۹۸۹)، در مطالعه‌ای سودمندی علایم خطر را بررسی کرد. شیوه تحقیق او، تجربی و عملی با استفاده از فهرست کنترل بود. تحقیق پینکوس آشکار ساخت که استفاده از فهرست کنترل، اثر عمده‌ای بر ارزیابی‌های ریسک تقلب ندارد و تفاوتی در ارزیابی استفاده‌کنندگان و آن‌ها بی که از فهرست کنترل استفاده نمی‌کنند به طور عمده وجود ندارد. زیمبلمن^۲ (۱۹۹۷)، اثرات احتمالی استاندارد حسابرسی شماره ۸۲، بر برداشت حسابرسان از علایم ریسک تقلب و کاربرد این علایم در طرح‌های مورد حسابرسی را مورد آزمون قرار داد. نتایج این تحقیق بیانگر این نکته بود که استاندارد حسابرسی ۸۲، حسابرسان را به پذیرش مسئولیت بیشتر در حین حسابرسی از طریق افزایش دامنه آزمون‌ها دعوت می‌کند. همچنین توجه بیشتر و مؤکد حسابرسان را به شاخص‌ها و علایم ریسک تقلب که ممکن است بیانگر تقلب در صورت‌های مالی باشد، جلب می‌نمایند.

عبدالمجید و همکاران^۳ (۲۰۰۱)، در یک تجزیه و تحلیل که در آن برداشت حسابرسان هنگ‌کنگی راجع به اهمیت عوامل علایم خطر دربرآورد ریسک را مورد بررسی قرار دادند، فهرستی از ۱۵ علامت خطر تهیه شده توسط کارمیکل^۴ (۱۹۸۸) را برای تحقیق در نظر گرفتند. این تحقیق در دو مرحله اجرا شد. در مرحله نخست از حسابرسان خواسته شد که براساس تجربه کاریشان اهمیت هریک از ۱۵ عامل خطر را در پرسشنامه مشخص کنند. با توجه به نتایج این پرسشنامه، برداشت پاسخ‌دهندگان به این عوامل به صورت نزولی و براساس اهمیت مرتب شدند. در مرحله دوم، ۶ عامل خطر برگزیده مرحله نخست، برای مطالعه مدل لنز انتخاب گردید. نتایج مدل لنز نشان داد که "تحریف‌های کشف شده در حسابرسی‌های پیشین" مهم‌ترین عامل ریسک می‌باشد، درحالی که نتایج مرحله اول "مشکل در حسابرسی معاملات" را مهم‌ترین عامل ریسک معرفی کرد.

1. Pincus
2. Zimbelman
3. Abdul Majid et al
4. Carmicheal

در تحقیقی مشابه، گراملینگ و مایرز^۱ (۲۰۰۳) برداشت حسابرسان داخلی از علایم خطر را با توجه به ۴۳ علامت خطر در سه گروه طبقه بندی کردند: انگیزه و فشار، فرصت و گرایش و توجیه. نتایج تحقیق آن ها که با استفاده از پرسشنامه و طیف لیکرت انجام گرفت، نشان می دهد علایم خطری که بیشترین اهمیت را دارند شامل علایم وابسته به گرایش ها و توجیه ها می باشند. در تحقیق مشابه دیگری که توسط مویز گلن و همکارانش^۲ (۲۰۰۶) صورت گرفت، آن ها از حسابرسان داخلی خواستند که برداشت خود را از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری متقلبانه، با توجه علایم خطر استاندارد شماره ۹۹ بیان کنند. نتایج تحقیق نشان داد که علایم خطر مربوط به گرایش ها و توجیه ها، در کشف تقلب گزارش های مالی، نسبت به علایم خطر فرصت، اثربخش تر می باشد. علایم خطر فرصت نیز، اثربخش تر از علایم خطر فشارها و انگیزه-ها در کشف تقلب است. مویز گلن^۳ (۲۰۰۷)، در تحقیقی دیگر تفاوت در سطح برداشت حسابرسان داخلی و مستقل از کارایی علایم خطر استاندارد شماره ۹۹ را جهت کشف تقلب بررسی کرد. به طور کلی نتایج بیانگر این موضوع است که برداشت حسابرسان مستقل از علایم خطر در کشف تقلب، بیشتر از حسابرسان داخلی است.

واندا لین ریلی^۴ (۲۰۰۸)، به بررسی ارتباط های موجود بین حسابرسی تقلب و کشف تقلب پرداخت و عنوان کرد معمولاً در روال عادی حسابرسی، تخلف، سوء استفاده و تقلب های شغلی، به میزان بسیار اندکی کشف می گردند. اغلب تقلب های فاش شده، بر اساس کشف رشوه های دریافتی توسط کارکنان و یا شکایات صورت گرفته از کارمندان می باشد. دنیس دینکوس^۵ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود تحت عنوان "حسابرسی برای تقلب"، دلایلی را که باعث می شود حسابرسان در کشف تقلب ناتوان گردند، بدین شرح عنوان کرد: عدم اجرای روش ها، رویه ها و مراحل حسابرسی به طور اصولی، فقدان

-
1. Gramling & Myers
 2. Moyes Glen.D, et al
 3. Moyes Glen.D
 4. Wanda Lynn Riley
 5. Dennis F. Dyncus

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۹

آزمون‌های اساسی جهت کنترل، اجتناب از بررسی نواحی دارای ریسک بالا؛ به‌خصوص اگر از نظر مبلغ بی‌اهمیت باشند، بودجه بندی زمانی نامناسب و ناکافی، فقدان آموزش کافی جهت شناسایی شاخص‌های تقلب (علایم خطر) به‌وسیله حسابرسان و نبود آموزش‌های مناسب جهت آشنایی حسابرسان با کنترل‌های داخلی بااهمیت و اساسی.

۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر تقلب مورد نظر، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین جنسیت حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین رشته تحصیلی حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین سطح تحصیلات حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.
- ۵- بین تجربه کاری حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

۴- روش تحقیق

۴-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

تحقیق حاضر، تحقیقی کیفی از نوع کاربردی در حوزه تحقیق‌های حسابرسی می‌باشد. در این پژوهش، جهت دستیابی به اهداف، پژوهشگر بر اساس مراحل زیر عمل نموده است:

مرحله اول: ابتدا جهت تبیین موضوعی تحقیق، با استفاده از شیوه کتابانه‌های به جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مجلات و فصلنامه‌های علمی و اینترنت مبادرت شد.

۱۰ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰

مرحله دوم: پرسشنامه‌ای در دو بخش طراحی گردید، که در بخش اول سئوالات عمومی و در بخش دوم سئوالات تخصصی پرسیده شد. در این پرسشنامه ۶۰ بستر خطر تقلب مدیریت که حسابرسان می‌توانند در کشف تقلب مدیریت از آن‌ها کمک بگیرند، ذکر شده است. این بسترهای خطر در ضمیمه بخش ۲۴ استاندارد حسابداری ایران آورده شده است.

مرحله سوم: اعتبار (روایی) ابزار اندازه‌گیری یکی از موضوعات بااهمیت روش تحقیق است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، بسترهای خطر تقلب از متون تخصصی استخراج گردیده‌اند. این بسترهای خطر مجموعاً ۶۰ مورد بودند که متعاقباً طی مرحله ممیزی (آزمون پایلوت) به نظر خواهی متخصصان گذاشته شدند. در نهایت تقریباً ۵ مورد از بسترهای خطر تغییر یافته و یک مورد دیگر به آن‌ها اضافه گردید. یکی دیگر از موضوعات بااهمیت روش تحقیق، قابلیت اطمینان (پایایی) ابزار اندازه‌گیری است. در این تحقیق برای آزمون ثبات نتایج اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی بدست آمده برای پیش‌آزمون برابر با ۰/۹۵۹ و برای کل پرسشنامه‌های برگشتی برابر با ۰/۹۴۲ گردید. ضمناً برای محاسبات آماری پرسشنامه از نرم‌افزار آماری Spss بهره گرفته‌ایم.

مرحله چهارم: در پی رتبه بندی بسترهای خطر ذکر شده در ضمیمه بخش ۲۴ استاندارد حسابداری ایران، از پاسخ دهندگان خواسته شد که براساس طیف ۷ گزینه‌ای لیکرت، میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر را در کشف تقلب مدیریت مشخص کنند. در این تحقیق پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش‌های آماری آزمون T و تحلیل واریانس^۱ استفاده شده است.

1. Variance Analysis

۴-۲- جامعه آماری، نحوه انتخاب نمونه و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل حسابرسان مستقل است؛ یعنی کلیه افرادی که به عنوان حسابرس در مؤسسات حسابرسی فعالیت می‌کنند. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده است. از آنجا که از تعداد افراد جامعه آماری اطلاعات دقیقی وجود ندارد از این رو در این تحقیق جهت محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که حجم نمونه طبق این فرمول ۳۸۴ تعیین گردید. در جهت حذف تعدیلات وارده بر واریانس ناشی از انتخاب بیشینه و کمینه طیف لیکرت، تعداد ۴۶۰ پرسشنامه بین حسابرسان به صورت حضوری توزیع شد که ۳۱۶ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- نتایج بررسی اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب

در این تحقیق ابتدا اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب بر اساس طیف ۷ گزینه‌ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت، سپس آن‌ها بطور نزولی از بیشترین میانگین به کمترین میانگین، همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود رتبه‌بندی گردیدند. جهت نتیجه‌گیری از تجزیه و تحلیل‌های آماری، فرضیات آماری زیر برای هر یک از بسترهای خطر قلب به کار گرفته شد:

$$\begin{cases} H_0: \bar{\mu} \leq 4/2 \\ H_1: \bar{\mu} > 4/2 \end{cases}$$

فرضیه H_0 : بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر قلب مورد نظر، در کشف قلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه H_1 : بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر قلب مورد نظر، در کشف قلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۱۲ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰

در آزمون T اگر هر دو شرط زیر برقرار باشند، فرضیه H₁ تأیید می‌شود، در غیر این صورت رد می‌شود:

- (۱) احتمال آزمون برای بستر تقلب مد نظر، کوچکتر از ضریب خطا باشد
- (۲) میانگین آن بزرگ تر از میانگین فرضیه باشد. در تحقیق حاضر ضریب خطا برابر ۵ درصد و عبارت دیگر سطح اطمینان ۹۵ درصد انتخاب شده است. همچنین با توجه به قالب پرسشنامه که بر اساس طیف ۷ گزینه‌ای لیکرت طراحی گردیده است، میانگین برابر با ۴/۲ در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۱- رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب بر اساس میانگین

رتبه	بسترهای خطر تقلب در واحد اقتصادی	میانگین	واریانس	t	سطح معنی داری	H ₁
۱	وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد	۶/۰۹	۱/۴۰	۹۰/۷۱	۰/۰۰	تأیید
۲	وجود محدودیت به گونه‌ای که دسترسی حسابرس را به افراد یا اطلاعات به شکل قابل ملاحظه‌ای محدود سازد	۵/۹۲	۱/۲۱	۹۱/۸۸	۰/۰۰	تأیید
۳	تحمیل محدودیت در دامنه کار حسابرسی توسط مدیریت، مثلاً ممانعت از دسترسی او به اشخاص و اطلاعات	۵/۸۶	۱/۶۳	۷۸/۱۴	۰/۰۰	تأیید
۴	حفاظت فیزیکی ضعیف از وجوه نقد، اوراق بهادار، موجودی مواد و کالا یا دارایی‌های ثابت	۵/۸۰	۱/۶۰	۷۶/۴۹	۰/۰۰	تأیید
۵	عدم نظارت کافی مدیریت بر کنترل‌های داخلی بااهمیت	۵/۷۴	۱/۵۴	۸۰/۷۵	۰/۰۰	تأیید
۶	معاملات عمده و غیرعادی که در اواخر سال مالی انجام شده است	۵/۷۲	۱/۶۳	۷۵/۳۶	۰/۰۰	تأیید
۷	معاملاتی که طبق مجوز کلی یا خاص مدیران ثبت نشده است	۵/۶۹	۱/۷۰	۷۴/۱۴	۰/۰۰	تأیید
۸	اختیارات بیش از اندازه (یا غیرعادی) مدیران	۵/۶۹	۱/۲۵	۸۶/۱۳	۰/۰۰	تأیید
۹	معاملات بدون شواهد کافی و معتبر	۵/۶۳	۱/۶۵	۷۵/۱۰	۰/۰۰	تأیید
۱۰	کوتاهی مدیریت در اصلاح به موقع ضعف‌های بااهمیت شناخته شده در سیستم کنترل داخلی	۵/۶۰	۱/۴۸	۸۰/۱۹	۰/۰۰	تأیید
۱۱	علاقه شدید مدیریت به حفظ یا افزایش سطح قیمت سهام یا روند سودآوری	۵/۵۵	۱/۹۲	۷۰/۶۳	۰/۰۰	تأیید

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۱۳

تأیید	۰/۰۰	۷۵/۲۸	۱/۶۴	۵/۵۲	تسلط فرد یا گروهی کوچک بر مدیریت بدون وجود کنترل‌هایی مانند نظارت سطوح بالاتر از مدیریت	۱۲
تأیید	۰/۰۰	۶۳/۷۷	۲/۱۲	۵/۵۱	معاملات عمده با اشخاص وابسته که در روال عادی عملیات واحد مورد رسیدگی انجام نشده است	۱۳
تأیید	۰/۰۰	۷۴/۷۰	۱/۵۴	۵/۴۵	سوابق حسابداری کاملاً ناقص یا ناکافی	۱۴
تأیید	۰/۰۰	۶۵/۲۸	۱/۹۹	۵/۴۰	قراردادهای متعدد یا غیر عادی، بدون هدف تجاری مشخص	۱۵
تأیید	۰/۰۰	۷۵/۸۲	۱/۴۱	۵/۳۹	نبود سیستم مناسب صدور مجوز و تصویب معاملات (برای مثال، در خرید)	۱۶
تأیید	۰/۰۰	۶۹/۵۵	۱/۷۳	۵/۳۸	بی‌میلی مدیریت نسبت به گزارشگری صادقانه به اشخاص ثالث ذیربط، مانند بانک‌ها و اداره‌ی دارایی	۱۷
تأیید	۰/۰۰	۶۸/۳۴	۱/۷۱	۵/۳۸	عدم نگهداری سوابق کافی برای دارایی‌های آسیب‌پذیر در برابر سوء استفاده	۱۸
تأیید	۰/۰۰	۶۴/۲۱	۱/۹۱	۵/۳۵	خطر ورشکستگی قریب الوقوع، ضبط اموال در رهن یا توقیف اموال	۱۹
تأیید	۰/۰۰	۷۰/۸۴	۱/۷۴	۵/۳۴	تمایل مدیریت به استفاده از روش‌ها و ابزارهای نامناسب برای به حداقل رساندن سود مشمول مالیات	۲۰
تأیید	۰/۰۰	۷۰/۶۵	۱/۶۵	۵/۳۳	شناسایی موضوعات با اهمیتی که بیشتر توسط مدیریت افشا نشده است	۲۱
تأیید	۰/۰۰	۷۴/۲۷	۱/۵۱	۵/۳۲	بکارگیری مداوم کارکنان ناکارآمد در بخش‌های حسابداری، فناوری اطلاعات یا حسابرسی داخلی	۲۲
تأیید	۰/۰۰	۶۱/۵۸	۲/۰۱	۵/۳۱	ویژگی‌های دارایی‌های ثابت، مانند اندازه کوچک اما دارای بازار فروش، بدون نیاز به مدارک رسمی مالکیت	۲۳
تأیید	۰/۰۰	۶۲/۳۳	۱/۹۶	۵/۲۸	دارایی‌های با قابلیت تبدیل آسان، مانند اوراق بهادار سریع‌المعامله، طلا و جواهرات	۲۴
تأیید	۰/۰۰	۶۸/۵۶	۱/۷۰	۵/۲۵	عدم تهیه مستندات مناسب و به‌موقع برای معاملات (برای مثال، مستندسازی کالاهای برگشتی)	۲۵
تأیید	۰/۰۰	۶۲/۸۴	۱/۹۹	۵/۲۳	معاملات عمده با اشخاص وابسته که حسابرسی نمی‌شود یا توسط حسابرس دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد	۲۶
تأیید	۰/۰۰	۶۴/۲۱	۱/۹۰	۵/۲۱	رشد سریع یا سودآوری غیرعادی، به ویژه در مقایسه با رقبا	۲۷
تأیید	۰/۰۰	۶۴/۵۸	۱/۹۰	۵/۲۰	تغییرات زیاد مدیران سطوح مختلف	۲۸
تأیید	۰/۰۰	۶۱/۲۲	۲/۲۱	۵/۱۹	وعده‌های بلندپروازانه یا مبتنی بر پیش‌بینی‌های غیر واقع‌بینانه مدیریت به اشخاص ثالث	۲۹
تأیید	۰/۰۰	۶۰/۸۳	۱/۹۸	۵/۱۸	تفاوت‌های عمده بین نتایج واقعی و نتایج مورد انتظار به‌دست آمده از بررسی‌های تحلیلی	۳۰
تأیید	۰/۰۰	۶۴/۴۳	۱/۸۰	۵/۱۷	نبود تفکیک مناسب وظایف یا کنترل‌های مستقل	۳۱
تأیید	۰/۰۰	۵۸/۴۲	۲/۱۳	۵/۱۲	کنترل ناکافی بر پردازش‌رایان‌ها یا اطلاعات (مثلاً، اشتباه یا تأخیر زیاد)	۳۲

۱۴ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰

در ثبت اطلاعات در سیستم کامپیوتری)					
تأیید	۰/۰۰	۵۸/۹۷	۲/۲۱	۵/۱۲	۳۳ ایجاد محدودیت زمانی غیرمنطقی در باره تکمیل حسابرسی یا صدور گزارش حسابرسی
تأیید	۰/۰۰	۶۱/۵۶	۱/۸۵	۵/۰۵	۳۴ نبود روش‌های مناسب برای گزینش کارکنانی که به دارایی‌های آسیب‌پذیر در برابر سوء استفاده دسترسی دارند
تأیید	۰/۰۰	۶۲/۱۱	۱/۹۳	۵/۰۵	۳۵ مشارکت گسترده مدیران غیرمالی در بکارگیری استانداردهای حسابداری یا تعیین برآوردهای حسابداری
تأیید	۰/۰۰	۶۸/۳۲	۱/۵۸	۵/۰۴	۳۶ ارایه اطلاعات با اکراه یا تاخیر غیرمنطقی
تأیید	۰/۰۰	۵۹/۴۹	۱/۹۱	۴/۹۸	۳۷ علی‌رغم وضعیت مالی ضعیف یا رو به وخامت، مدیریت شخصاً بدهی‌های عمده شرکت را تضمین کرده باشد
تأیید	۰/۰۰	۵۱/۳۸	۲/۴۶	۴/۹۳	۳۸ ویژگی‌های موجودی مواد و کالا، مانند اندازه کوچک، ارزش بالا و تقاضای زیاد
تأیید	۰/۰۰	۵۱/۲۵	۲/۵۴	۴/۹۲	۳۹ مغایرات عمده بین حساب‌های کل و معین
تأیید	۰/۰۰	۶۵/۳۹	۱/۶۳	۴/۴۶	۴۰ بی‌توجهی قابل ملاحظه مدیریت به مراجع قانونی
تأیید	۰/۰۰	۵۳/۱۳	۲/۲۷	۴/۸۳	۴۱ نگهداری یا گردش وجه نقد به میزان قابل توجه
تأیید	۰/۰۰	۵۴/۷۰	۲/۲۴	۴/۸۲	۴۲ وجود اقلام عمده در برخی از حسابها که حسابرسی آن مشکل است
تأیید	۰/۰۰	۵۵/۰۰	۲/۱۱	۴/۸۱	۴۳ مانده حسابها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسید آن گذشته است
تأیید	۰/۰۰	۵۹/۳۲	۱/۹۳	۴/۸۰	۴۴ اختلاف نظرهای فراوان با حسابرس فعلی یا قبلی در باره مسائل حسابداری، حسابرسی یا گزارشگری
تأیید	۰/۰۰	۵۷/۷۶	۱/۹۸	۴/۸۰	۴۵ دشواری در تعیین سازمان یا فرد یا افراد کنترل‌کننده واحد مورد رسیدگی
تأیید	۰/۰۰	۵۱/۲۰	۲/۴۰	۴/۷۹	۴۶ وابستگی زیاد و غیرعادی به تسهیلات دریافتی و توانایی اندک در برآوردن الزامات بازپرداخت بدهی‌ها
تأیید	۰/۰۰	۵۳/۴۴	۲/۱۵	۴/۷۷	۴۷ پیامد منفی معاملات عمده در شرف انجام (مانند ترکیب تجاری یا انعقاد قرارداد) در نتیجه عملکرد مالی ضعیف
تأیید	۰/۰۰	۵۰/۴۱	۲/۷۰	۴/۷۶	۴۸ شواهد نشان دهنده ریخت و پاش بیش از حد در سطح زندگی مدیران یا کارکنان
تأیید	۰/۰۰	۵۴/۲۶	۲/۰۱	۴/۷۰	۴۹ الزامات جدیدی که ممکن است ثبات مالی یا سودآوری واحد مورد رسیدگی را خدشه‌دار کند
تأیید	۰/۰۰	۵۰/۲۱	۲/۴۷	۴/۶۸	۵۰ آسیب‌پذیری زیاد و غیرعادی واحد مورد رسیدگی در برابر تغییرات
تأیید	۰/۰۰	۵۵/۳۶	۱/۹۹	۴/۶۲	۵۱ ناتوانی در ایجاد جریان وجه نقد ناشی از عملیات، با وجود گزارش سود و رشد سود
تأیید	۰/۰۰	۵۲/۱۵	۲/۲۲	۴/۵۹	۵۲ ساختار سازمانی بسیار پیچیده، شامل شخصیت‌های حقوقی متعدد یا غیرعادی

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۱۵

تأیید	۰/۰۰	۵۰/۲۸	۲/۲۲	۴/۵۳	فشار بر شرکت، باتوجه به وضعیت مالی آن، برای انجام سرمایه‌گذاری مجدد جهت باقی ماندن در بازار رقابت	۵۳
تأیید	۰/۰۰	۴۳/۳۹	۳/۳۸	۴/۵۳	پافشاری غیرمنطقی در بکارگیری استانداردهای حسابداری نامرسوم	۵۴
تأیید	۰/۰۰	۵۳/۸۶	۲/۰۰	۴/۵۱	برنامه‌های بلند پروازانه و دست نیافتنی	۵۵
تأیید	۰/۰۰	۴۶/۹۵	۲/۵۵	۴/۴۳	صنعت رو به افول، همراه با افزایش ورشکستگی‌های تجاری در آن صنعت و کاهش عمده در تقاضای مشتریان	۵۶
تأیید	۰/۰۰	۴۸/۸۶	۲/۳۲	۴/۴۰	عملیات واحدهای فرعی واقع در مناطق غیرمشمول مالیات، که به نظر نمی‌رسد دارای توجیه اقتصادی باشد	۵۷
تأیید	۰/۰۰	۴۷/۵۳	۲/۴۲	۴/۳۸	سرعت تغییرات در صنعت، مانند آسیب پذیری بالا در مقابل تغییر سریع فناوری یا ناباب شدن سریع محصول	۵۸
تأیید	۰/۰۰	۴۷/۰۹	۲/۴۵	۴/۳۴	وجود رقابت شدید یا اشباع بازار، همراه با روند نزولی حاشیه سود	۵۹
تأیید	۰/۰۰	۵۶/۶۰	۱/۷۰	۴/۳۳	تعیین اهداف مالی و انتظارات بلندپروازانه برای کارکنان اجرایی	۶۰
رد	۰/۰۰	۳۹/۲۲	۲/۸۶	۳/۹۱	نبود مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسئول کنترل‌های کلیدی	۶۱

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، به جز خطری که رتبه ۶۱ ام را دارد، میانگین‌های محاسبه شده برای سایر بسترهای خطر تقلب از عدد ۴/۲ بیشتر می‌باشد. ضمناً نتایج حاصل از آزمون آماری T نشان می‌دهد که برای تمامی بسترهای خطر تقلب، ضریب خطای بدست آمده کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر فرضیه H_1 برای تمامی بسترهای خطر تقلب، به جز خطری که رتبه ۶۱ ام را داراست، تأیید می‌شود، یعنی بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت تقریباً تمامی بسترهای خطر تقلب، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

این نتیجه با یافته‌های تحقیقات قبلی مانند حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸)، آپوستولو و هاسل^۱ (۱۹۹۳)، چرچ و همکارانش^۲ (۲۰۰۱)، گراملینگ و مایرز^۳ (۲۰۰۳) و مویز گلن^۴ (۲۰۰۶، ۲۰۰۷) هماهنگ است.

1. Apostolou & Hassell
2. Church et al.
3. Gramling & Myers
4. Moyes Glen

اگر طیف ۷ گزینه‌ای لیکرت، مطابق آنچه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، به سه قسمت مساوی تقسیم گردد می‌توان نتیجه گرفت بسترهای خطری که میانگین آن‌ها بین ۱ تا ۳ می‌باشد بسترهایی کم‌اهمیت، بسترهایی که میانگین آن‌ها بین ۳ تا ۵ می‌باشد، بسترهایی بااهمیت و بسترهایی که میانگین آن‌ها بین ۵ تا ۷ می‌باشد بسترهایی بسیار بااهمیت برای ارتکاب تقلب توسط مدیریت هستند. طبق جدول شماره ۲ از ۶۱ بستر تقلب، ۳۶ بستر تقلب ابتدایی بسیار بااهمیت (مانند: وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد، وجود محدودیت به گونه‌ای که دسترسی حسابرس را به افراد یا اطلاعات به شکل قابل ملاحظه‌ای محدود سازد، تحمیل محدودیت در دامنه کار حسابرسی توسط مدیریت، مثلاً ممانعت از دسترسی او به اشخاص و اطلاعات و...) و ۲۵ بستر تقلب بعدی بااهمیت هستند (مانند: علی‌رغم وضعیت مالی ضعیف یا رو به وخامت، مدیریت شخصاً بدهی‌های عمده شرکت را تضمین کرده باشد، ویژگی‌های موجودی مواد و کالا، مانند اندازه کوچک، ارزش بالا و تقاضای زیاد، مغایرات عمده بین حساب‌های کل و معین و...)، اما هیچ بستر تقلبی که کم‌اهمیت باشد وجود ندارد.

جدول ۲- طبقه‌بندی بسترهای خطر بر اساس میزان اهمیت آن‌ها

بسترهای خطر	میزان اهمیت	بازه میانگین
-	کم اهمیت	بین ۱ تا ۳
رتبه ۳۷ تا ۶۱	با اهمیت	بین ۳ تا ۵
رتبه ۱ تا ۳۶	بسیار با اهمیت	بین ۵ تا ۷

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول شماره ۳ داده‌های این تحقیق را به صورتی مفصل‌تر می‌توان مشاهده کرد. در این جدول بسترهای خطر تقلب به همان ترتیبی که در جدول شماره ۱ آمده مرتب شده‌اند (بر اساس میانگین)، با این تفاوت که به نوشتن رتبه‌های آن‌ها اکتفا شده است.

اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۱۷

بعنوان نمونه بستر خطری که رتبه اول را دارد " وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است که بیشتر پاسخ دهندگان (۵۲ درصد) در پرسشنامه، گزینه ۷ از طیف لیکرت را انتخاب نموده‌اند.

۵-۲- سایر یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، علاوه بر رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب، به بررسی تاثیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب نیز پرداخته شده است.

حسابرسان از لحاظ جنسیت به دو گروه مرد و زن تقسیم می‌شوند. میانگین پاسخ‌ها برای مردها و زن‌ها به ترتیب ۵.۱۰ و ۵.۲۱ می‌باشد. تمایل زن‌ها به جزئیات و اینکه زن‌ها اصولاً طبیعت محتاط‌تری دارند می‌تواند دلیلی جهت توجیه بالاتر بودن میانگین پاسخ آن‌ها در تعیین اهمیت بسترهای تقلب در مقایسه با مردها باشد. اما همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، به دلیل اینکه $p\text{-value}$ برابر با ۰.۲۴ می‌باشد، این ادعا که بین جنسیت حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد، رد می‌شود.

جدول ۳- درصد پاسخ‌ها به هر یک از ۷ گزینه طیف لیکرت برای بسترهای خطر تقلب

بسترهای خطر (رتبه)	درصد پاسخ‌ها به هر یک از ۷ گزینه طیف لیکرت							بسترهای خطر (رتبه)	درصد پاسخ‌ها به هر یک از ۷ گزینه طیف لیکرت						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۰٪	۱٪	۳٪	۷٪	۱۶٪	۲۱٪	۵۲٪	۱	۰٪	۱٪	۳٪	۷٪	۱۶٪	۲۱٪	۵۲٪
۲	۱٪	۰٪	۱٪	۱۰٪	۱۴٪	۳۵٪	۳۳٪	۲	۱٪	۰٪	۱٪	۱۰٪	۱۴٪	۳۵٪	۳۳٪
۳	۱٪	۱٪	۴٪	۵٪	۲۰٪	۲۰٪	۳۷٪	۳	۱٪	۱٪	۴٪	۵٪	۲۰٪	۲۰٪	۳۷٪
۴	۰٪	۱٪	۴٪	۷٪	۱۸٪	۲۷٪	۳۳٪	۴	۰٪	۱٪	۴٪	۷٪	۱۸٪	۲۷٪	۳۳٪
۵	۱٪	۲٪	۲٪	۱۱٪	۱۶٪	۳۵٪	۳۱٪	۵	۱٪	۲٪	۲٪	۱۱٪	۱۶٪	۳۵٪	۳۱٪
۶	۱٪	۱٪	۴٪	۹٪	۱۶٪	۳۲٪	۲۹٪	۶	۱٪	۱٪	۴٪	۹٪	۱۶٪	۳۲٪	۲۹٪
۷	۱٪	۰٪	۵٪	۱۳٪	۱۳٪	۳۲٪	۳۰٪	۷	۱٪	۰٪	۵٪	۱۳٪	۱۳٪	۳۲٪	۳۰٪

۱۸ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰

۱۲٪	۲۸٪	۲۰٪	۱۱٪	۹٪	۵٪	۴٪	۳۹	۲۶٪	۳۰٪	۲۲٪	۱۲٪	۲٪	۱٪	۰٪	۸
۱۰٪	۲۱٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۰٪	۲٪	۱٪	۴۰	۲۸٪	۳۰٪	۲۱٪	۸٪	۵٪	۱٪	۱٪	۹
۱۲٪	۲۲٪	۲۳٪	۱۲٪	۱۲٪	۸٪	۰٪	۴۱	۲۶٪	۳۲٪	۲۲٪	۱۳٪	۳٪	۲٪	۰٪	۱۰
۱۰٪	۲۶٪	۲۲٪	۱۶٪	۱۳٪	۳٪	۳٪	۴۲	۳۰٪	۳۲٪	۱۶٪	۱۴٪	۶٪	۱٪	۱٪	۱۱
۱۰٪	۲۴٪	۲۲٪	۱۴٪	۱۳٪	۷٪	۰٪	۴۳	۲۶٪	۲۹٪	۲۱٪	۱۵٪	۵٪	۱٪	۱٪	۱۲
۱۱٪	۲۲٪	۲۳٪	۲۳٪	۱۱٪	۵٪	۱٪	۴۴	۲۴٪	۳۳٪	۲۰٪	۴٪	۵٪	۶٪	۱٪	۱۳
۱۱٪	۱۹٪	۲۷٪	۱۸٪	۱۲٪	۵٪	۱٪	۴۵	۲۲٪	۲۸٪	۲۲٪	۱۶٪	۴٪	۱٪	۱٪	۱۴
۱۵٪	۱۶٪	۱۵٪	۲۵٪	۱۱٪	۴٪	۲٪	۴۶	۲۳٪	۳۱٪	۱۷٪	۱۱٪	۹٪	۳٪	۱٪	۱۵
۱۱٪	۱۶٪	۲۵٪	۲۱٪	۶٪	۴٪	۳٪	۴۷	۱۷٪	۲۹٪	۲۵٪	۱۳٪	۵٪	۱٪	۰٪	۱۶
۱۲٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۸٪	۷٪	۴٪	۷٪	۴۸	۱۸٪	۳۵٪	۱۶٪	۱۶٪	۵٪	۲٪	۱٪	۱۷
۱۰٪	۱۵٪	۳۲٪	۱۷٪	۱۰٪	۶٪	۱٪	۴۹	۱۸٪	۳۰٪	۲۳٪	۹٪	۸٪	۱٪	۱٪	۱۸
۱۲٪	۱۷٪	۲۳٪	۲۱٪	۹٪	۵٪	۴٪	۵۰	۲۲٪	۲۲٪	۲۱٪	۱۶٪	۵٪	۱٪	۱٪	۱۹
۸٪	۱۸٪	۲۶٪	۱۸٪	۱۶٪	۵٪	۱٪	۵۱	۲۲٪	۲۵٪	۲۹٪	۱۵٪	۶٪	۱٪	۱٪	۲۰
۸٪	۲۰٪	۲۳٪	۱۸٪	۱۵٪	۶٪	۲٪	۵۲	۱۶٪	۳۰٪	۲۶٪	۱۲٪	۶٪	۱٪	۱٪	۲۱
۶٪	۱۸٪	۲۵٪	۱۹٪	۱۳٪	۳٪	۵٪	۵۳	۱۶٪	۲۹٪	۲۷٪	۱۵٪	۵٪	۱٪	۱٪	۲۲
۱۷٪	۱۵٪	۲۵٪	۱۵٪	۱۳٪	۵٪	۱۰٪	۵۴	۲۰٪	۲۲٪	۲۵٪	۹٪	۹٪	۱٪	۲٪	۲۳
۷٪	۱۴٪	۳۰٪	۱۹٪	۱۵٪	۵٪	۳٪	۵۵	۲۱٪	۲۱٪	۲۳٪	۹٪	۱۲٪	۲٪	۰٪	۲۴
۹٪	۱۲٪	۳۰٪	۱۹٪	۹٪	۷٪	۶٪	۵۶	۲۰٪	۲۱٪	۲۵٪	۱۷٪	۸٪	۱٪	۰٪	۲۵
۵٪	۲۴٪	۱۶٪	۱۸٪	۱۸٪	۹٪	۲٪	۵۷	۲۰٪	۲۳٪	۲۳٪	۱۶٪	۵٪	۵٪	۱٪	۲۶
۷٪	۱۵٪	۲۵٪	۲۱٪	۱۱٪	۸٪	۵٪	۵۸	۱۷٪	۲۸٪	۲۱٪	۱۶٪	۷٪	۳٪	۱٪	۲۷
۶٪	۱۶٪	۲۴٪	۲۵٪	۸٪	۸٪	۶٪	۵۹	۱۶٪	۲۸٪	۲۵٪	۱۲٪	۸٪	۴٪	۱٪	۲۸
۲٪	۱۴٪	۳۲٪	۲۲٪	۱۵٪	۶٪	۳٪	۶۰	۱۷٪	۳۳٪	۲۴٪	۱۱٪	۷٪	۵٪	۳٪	۲۹
۴٪	۱۶٪	۱۷٪	۱۵٪	۱۹٪	۱۱٪	۹٪	۶۱	۱۶٪	۲۵٪	۲۱٪	۱۴٪	۸٪	۵٪	۰٪	۳۰
								۱۴٪	۲۷٪	۲۶٪	۱۲٪	۶٪	۵٪	۰٪	۳۱

* منبع: یافته های پژوهشگر

از دیدگاهی دیگر می توان حسابرسان را از منظر رشته تحصیلی گروه بندی کرد. در این حالت ۴ طبقه بندی (حسابداری، مدیریت، اقتصاد و سایر رشته ها) از نمونه مورد نظر صورت گرفت که تمامی افراد نمونه در ۳ گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد قرار

گرفتند. میانگین پاسخ‌ها در تعیین اهمیت بسترهای تقلب، برای ۳ گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد به ترتیب ۵.۱۲، ۵.۲۱ و ۵.۴۲ می‌باشد. علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین‌ها، طبق آزمون‌های آماری این ادعا که بین رشته تحصیلی حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد، به دلیل اینکه p -value برابر با ۰.۷۳ می‌باشد، رد می‌شود.

در جامعه این انتظار وجود دارد که افراد عقاید و نظرات گذشته خود را در زمینه‌های گوناگون با افزایش سطح تحصیلات و کسب علم بیشتر، مورد تعدیل و تغییر قرار دهند. در ارتباط با پژوهش حاضر، تصمیم گرفته شد این ادعا که بین سطح تحصیلات حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد، مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور نمونه تحقیق به ۴ گروه تقسیم گردید: فوق دیپلم و پایین‌تر، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری. در نمونه تحقیق هیچ فردی در گروه فوق دیپلم و پایین‌تر قرار نگرفت. علی‌رغم اینکه بین میانگین‌های این گروه‌ها تفاوت وجود دارد، اما به دلیل اینکه p -value برابر با ۰.۶۳ می‌باشد، ادعای فوق رد می‌شود.

انتظار می‌رود یک حسابرس مبتدی و کم‌تجربه به دلیل نداشتن آگاهی و تجربه کافی از فعالیت‌های حسابرسی، نسبت به یک حسابرس خبیره دیدگاهی متفاوت در موضوعات مرتبط با حسابرسی داشته باشند. در فرضیه آخر قصد این است که به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بین تجربه کاری حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد؟ جهت پاسخ به این سؤال، گروه نمونه به ۶ طبقه تقسیم گردید: کمتر از ۵ سال، بین ۱۰ تا ۱۵ سال، بین ۱۵ تا ۲۰ سال، بین ۲۰ تا ۲۵ سال و بیشتر از ۲۵ سال. همانند نتایج فرضیات قبلی علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین‌های این ۶ گروه، تفاوت معنی‌داری بین تجربه کاری حسابرسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب وجود ندارد.

جدول ۴- اطلاعات مربوط به سایر یافته‌های تحقیق

نتیجه	سطح معنی‌داری	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌بندی	فرضیه‌های تحقیق
رد	۰.۲۴	۱.۳۹	۰.۷	۵.۱	۲۲۹	مرد	بین جنسیت حساب‌برسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد
			۰.۶۹	۵.۲۱	۸۷	زن	
رد	۰.۷۳	۰.۳۱	۰.۷۱	۵.۱۲	۲۹۴	حسابداری	بین رشته تحصیلی حساب‌برسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد
			۰.۶	۵.۲۱	۲۰	مدیریت	
			۰.۱	۵.۴۲	۲	اقتصاد	
			-	-	۰	سایر رشته‌ها	
رد	۰.۶۳	۰.۴۷	-	-	۰	فوق‌دیپلم و پایین‌تر	بین سطح تحصیلات حساب‌برسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد
			۰.۷۴	۵.۱۵	۲۲۳	لیسانس	
			۰.۵۹	۵.۰۷	۹۱	فوق لیسانس	
			۰.۸۸	۵.۱۸	۲	دکتری	
رد	۰.۹۹	۰.۰۹	۰.۶۱	۵.۱۵	۱۱۰	کمتر از ۵ سال	بین تجربه کاری حساب‌برسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه وجود دارد
			۰.۸۷	۵.۱۲	۸۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	
			۰.۷۳	۵.۰۹	۲۲	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
			۰.۶۱	۵.۱۶	۴۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	
			۰.۶۶	۵.۱۲	۳۶	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	
			۰.۶	۵.۰۷	۲۲	بیشتر از ۲۵ سال	

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

بطور خلاصه می‌توان گفت، هیچ یک از فرضیه‌های تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نشد. عبارت دیگر نه جنسیت، نه رشته تحصیلی، نه سطح تحصیلات و نه تجربه، هیچ کدام بر روی نظر حساب‌برسان در تعیین میزان اهمیت هیچ یک از بسترهای

اهمیت بسترهای خطر قلب از دیدگاه حسابرسان مستقل ۲۱

خطر قلب، تأثیر چندانی ندارند. این نتایج با نتایج تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸) و گلن مویز^۶ (۲۰۰۷) هماهنگی کامل دارد.

۶- بحث و نتیجه گیری

حسابرسان هنگام ارزیابی میزان اهمیت و مربوط بودن بسترهای خطر قلب و همچنین، تعیین برخورد مناسب حسابرسی با آن، از قضاوت حرفه‌ای استفاده می‌کنند (کمپته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵). در این تحقیق، ابتدا بسترهای خطر قلب ذکر شده در بخش ۲۴ استاندارد حسابرسی ایران در ۶۱ مورد، فهرست گردید و سپس از حسابرسان خواسته شد اهمیت هریک از این بسترهای خطر قلب را تعیین کنند. به عبارت دیگر، هدف این تحقیق رتبه‌بندی هریک از بسترهای خطر قلب با توجه به میانگین آن‌ها است، که نتایج این تحقیق می‌تواند حسابرسان را هنگام ارزیابی میزان اهمیت و مربوط بودن بسترهای خطر قلب کمک نموده و راهنمای مناسبی را در کشف قلب مدیریت در اختیار آن‌ها بگذارد.

در رتبه بندی بسترهای خطر قلب مهم ترین بستر خطر قلب، "وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" تعیین گردید که میانگین پاسخ به آن برابر ۶.۰۹ شد. ضمناً با توجه به ۲ شرطی که برای پذیرفتن فرضیه (بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر قلب مورد نظر، در کشف قلب مدیریت تفاوت معنی داری وجود دارد) تعیین گردید، نتایج نشان می‌دهد که نظر حسابرسان نسبت به اهمیت تمامی بسترهای خطر قلب در سطح اطمینان ۹۵ درصد (به جز " نبود مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسئول کنترل های کلیدی") دارای تفاوت معنی دار است. در تحقیقات قبلی نیز مانند تحقیق مانند حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸)، آپوستولو و هاسل (۱۹۹۳)، چرچ و همکارانش (۲۰۰۱)، گراملینگ و مایرز (۲۰۰۳) و مویز گلن (۲۰۰۶، ۲۰۰۷) نتایج مشابهی بدست آمد.

علاوه بر رتبه‌بندی بسترهای خطر قلب، به بررسی تأثیر جنسیت، رشته تحصیلی،

۲۲ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰

سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب نیز پرداخته شد. نتایج این تحقیق همانند تحقیقات مشابه، بیانگر این بود که جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، هیچ‌کدام بر روی نظر حسابرسان در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب، تاثیر چندانی ندارند. این نتایج با نتایج تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (۱۳۸۸) و مویز گلن (۲۰۰۷) هماهنگی کامل دارد.

بطور کلی می‌توان انتظار داشت گروه‌های زیر از نتایج این تحقیق استفاده نمایند:

- ۱- کمیته تدوین کننده استانداردهای حسابرسی: در امر تدوین استانداردها
- ۲- حسابرسان: در ارزیابی خطر تقلب مدیریت
- ۳- استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی: افزایش اطمینان و اعتماد به کار حسابرسان مخصوصاً در کشف تقلب

۷- پیشنهادهایی برای انجام تحقیقات آتی

- ۱- میزان استفاده حسابرسان از بسترهای خطر تقلب در برنامه‌ریزی حسابرسی.
- ۲- نحوه پیشگیری و کنترل تقلب با استفاده از بسترهای خطر تقلب توسط حسابرسان داخلی.
- ۳- تهیه چک لیست کشف تقلب با استفاده از بسترهای خطر تقلب و بررسی سودمندی آن.

منابع

- حامدیان، حامد و ابراهیم وحیدی الیزی، (۱۳۸۸)، "برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه"، مجله تحقیقات حسابداری، شماره سوم، پاییز، ۱۹۷-۱۶۲.
- حساس یگانه، یحیی؛ رضا داغانی، و وحیداسکو، (۱۳۸۹)، "مدیریت ریسک تقلب"، مجله حسابدار رسمی، شماره ۲۰، ۹۵-۸۶.
- سنجایی، آرش، (۱۳۸۴)، "شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت های مالی"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- شیخ، محمدجواد، (۱۳۸۳)، "بررسی اهمیت شاخص های تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در شرکت های ایران"، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۸۹)، "توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت"، مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره اول، ۱۶۲-۱۳۷.
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و فرید برواری، (۱۳۸۸)، "بررسی کاربرد روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت های مالی (تقلب مدیریت)"، مجله دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، ۲۳-۱۸ و ۷۰-۶۵.
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و مجید عبدالهی، (۱۳۸۷)، "کاربرد سیستم فازی در کشف تقلب"، دومین کنگره سیستم های فازی و هوشمند، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، (۱۳۸۵)، "استانداردهای حسابرسی"، چاپ هشتم، تهران، سازمان حسابرسی، ۱۸۰-۱۵۶.

Abdul Majid, G.F.A. and Tsui, J.S.L., (2001), "An Analysis of Hong Kong Auditors Perceptions of The Importance of Selected Red Flag Factors In Risk Assessment", Journal of Business Ethics, Vol. 32, 263-274.

Apostolou, B. and Hassel, J.M., (1993), "An Empirical Examination of The Senility of The Analytic Hierarchy Process To

Departures From Recommended Consistency Ratios", *Mathematical and Computer Modeling*, 17(4/5), 163-170.

Church, B.K., J.J. Mc Millan, And A. Schneider, (2001), "Detection of Fraudulent Financial Reporting", *Journal of Accountancy*, (September). Vol.192, No.3, 99.

Dennis F. Dyncus, (2009), "Auditing For Fraud or What Does Fraud Look Like" Middle Management Conference Nashville, TN, 34-53.

Gramling, A.A., Mayers, P.M, (2003), "Internal Auditors Assessment of Fraud Warning Signs: Implications For External Auditors", *The CPA Journal*, Vol.6, No.73, 20-32.

Loebbecke, J.K., M.M. Eining, and J.J. Willingham, (1989), "Auditors' Experience with Material Irregularities: Frequency, Nature, And Detectability". *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 8 (Fall), 1-28.

Loebbecke, J.K. and J.J Willingham, (1988), "Review of SEC and Auditing Enforcement Releases", *Unpublished Working Paper*. vol.23, 55-67.

Mohamed E. Bayou & Alan Reinstein, (2001), "A Systemic View of Fraud Explaining Its Strategies, Anatomy and Process". *Critical Perspectives on Accounting* Volume 12, Issue 4, August, 61.

Moyes Glen, D., Et Al, (2006), "Internal Auditors Perceptions of The Effectiveness of Red Flags To Detect Fraudulent Financial Reporting", *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy* Volume 6, No.1, 102-113.

Moyes Glen.D, (2007), " The Differences In Perceived Level of Fraud-Detecting Effectiveness of SAS No.99 Red Flags Between External And Internal Auditors", *Journal of Business & Economics Research*, Vol. 5, No.6, 9-26.

Pincus, K.Y, (1989), "The Efficacy of a Red Flags Questionnaire for Assessing the Possibility of Fraud", *Accounting, Organizations, and Society*. Vol.14: 153-163.

Ramos Micheal, (2003), "Auditors Responsibility for Fraud Detection", *Journal of Accountancy*, 195, 1:ABI/INFORM Global, 28-36.

Thomas Patrick Hayes, (2006), "An Examination of The Factors That Influence an Auditor's Decision to Use a Decision Aid in Their Assessment of Management Fraud". *Dissertation Prepared For The Degree of Doctor of Philosophy, University of North Texas*, 13.

Wallace, W. A., (1995), "Auditing South-Western College". Publishing Cincinnati. OH, 8.

Wanda Lynn Riley, (2008), "Fraud: What's It All About? Audit and Advisory Services", Ethics and Fraud in the Workplace, 13-19.

Zimbelman, M.F, (1997), "The Effects of SAS No. 82 on Auditors' Attention to Fraud Risk Factors and Audit Planning Decisions". Journal of Accounting Research 35 (Supplement),75-97.

Archive of SID